

**A Qualitative Study of The Causes and Contexts in Lack of
Enthusiasm to Knowledge Sharing Case of Study: Students of
Farhangian University**

Ghasemzadeh, Davood.Mirzaloo, Afshin

1.Department of Social Sciences Education, Farhangian University, Tehran,

Iran davood.qasemzade@gmail.com

2.Department of Educational Science

ABSTRACT

Keywords:

knowledge sharing
Unwillingness
Student teachers
Farhangian university

1 .Corresponding
author


davood.qasemzade@g
mail.com

Background and Objectives: Today's world is increasingly aware of the value-sharing paradigm of knowledge sharing in various aspects of life from science and knowledge to business and governance activities. Despite the importance of knowledge sharing to improve the academic level of the university and its growth in educational, research and professional fields, the results of research indicate a low level of knowledge sharing in universities and higher education centers. **Method:** In the present study has been used qualitative method with grounded theory approach and have been conducted in- depth interviews with 25 students of Allameh Amini Campus in Tabriz by purposeful sampling method. The data collection technique in the present study is in-depth interview and the interview duration varied from 50 to 60 minutes. **Findings:** The findings indicated that six category in point of students such as the power of knowledge, high individualism, lack of structural support of the university, the impact of students' educational backgrounds, distrust, undesirable technological infrastructure conditions and lack of knowledge orientation among the students are presented as a causal factors of lack of tendency to knowledge sharing. **Conclusion:** The results showed that the realization and implementation of knowledge sharing in the university leads to the development of the university and the expansion of the university's social capital.

Citation (APA): Ghasemzadeh D., (2025). "A qualitative study of the causes and contexts in lack of enthusiasm to knowledge sharing (case of study: students of Farhangian university) *Quarterly Journal of Research in Social Studies Education* , 7(4), 143-162.

 <https://doi.org/10.48310/rsse.2025.19696.1271>



مطالعه کیفی علل و زمینه‌های بی‌اشتیاقی به تسهیم دانش

(مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه فرهنگیان)

داود قاسم زاده^۱، افشین میرزآلو^۲

۱. استادیار گروه آموزش علوم اجتماعی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

afshin9599a@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد گروه علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

پیشینه و اهداف: دنیای امروز بیش از پیش به پارادایم ارزش آفرینی تسهیم دانش در ابعاد مختلف زندگی از علم و دانش تا فعالیت‌های کسب و کار و حکمرانی پی برده است، علی‌رغم مزایای فراوان تسهیم دانش، موانع اساسی پیش روی آن وجود دارد. هدف پژوهش حاضر مطالعه زمینه‌ها و علل عدم گرایش به تسهیم دانش در بین دانشجویان می‌باشد. **روش‌ها:** در پژوهش حاضر از رویکرد نظریه داده بنیاد که یک شیوه پژوهش کیفی است، بهره گرفته شده و با ۲۵ نفر از دانشجویان معلمان دانشگاه فرهنگیان به روش نمونه‌گیری هدفمند مصاحبه عمیق صورت گرفته است. تحلیل داده‌ها براساس کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام شده است. **یافته‌ها:** یافته‌ها نشان داد که از نظر دانشجویان شش مقوله محوری تلقی قدرت بودن دانش، روحیه فردگرایی بالا، فقدان حمایت ساختاری دانشگاه، تأثیر زمینه‌های تربیتی دانشجویان، بی‌اعتمادی و نامطلوبیت زیرساخت‌های تکنولوژیکی از شرایط زمینه‌ای و علّی عدم گرایش به تسهیم دانش در بین دانشجویان می‌باشد. دانشجویان تشکیل اجتماعات علمی مبتنی بر کارگروهی و توسعه زیرساخت‌های فناوری محور را راهکار این مشکل می‌دانستند. مقوله محوری در این پژوهش، ضعف بالندگی میدان دانشگاهی می‌باشد. **نتیجه‌گیری:** نتایج نشان داد که تحقق و پیاده‌سازی تسهیم دانش در دانشگاه منجر به بالندگی دانشگاه و بسط سرمایه اجتماعی دانشگاه می‌باشد.

از دستگاه خود برای اسکن و خواندن مقاله به صورت آنلاین استفاده کنید

DOI:10.48310/rsse.2025.19696.1271

واژه‌های کلیدی:

تسهیم دانش

بی‌اشتیاقی

دانشجومعلمان

دانشگاه فرهنگیان

۱. نویسنده مسئول

davood.qasemzade@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۳۰ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۳۰ شماره صفحات: ۳۰

مقدمه

دنایای امروز که با مسایلی همچون اقتصاد دانش، عصر دانایی و شکوفایی فناوری اطلاعات شناخته می‌شود، آنچه برای سازمان‌ها اهمیت دارد، مدیریت دارائی ناملموس یعنی دانش و اطلاعات می‌باشد. اشتراک دانش یکی از مولفه‌های مدیریت دانش هست که در محیط‌های دانشگاهی و مراکز آموزش عالی دارای اهمیت بسیار می‌باشد. در این راستا، محققان و پژوهشگران مختلف با رویکردهای مختلف به موضوع اشتراک دانش و تعیین‌کننده‌های اساسی آن پرداخته‌اند. دیدگاه دانش محور نشان می‌دهد که دانش منبع اصلی ارزش است و ایجاد ارزش سازمانی عمدتاً تابعی از توانایی سازمان برای جمع‌آوری و استفاده از دانش است. به وسیله دانش، سازمان می‌تواند اطلاعات تدوین شده خود را با جنبه‌های ارزش افزوده انسانی مثل بینش، کارآفرینی، مفاهیم و تجربه‌ها به کار گیرد (Allameh et al, 2016). در دنایای مدرن دانش محور، انتشار کارآمد منابع دانش به مثابه عامل حیاتی برای سازمان‌ها جهت دستیابی به مزیت رقابتی پایدار شناخته شده است. در واقع، اشتراک دانش به عنوان یک عنصر حیاتی در دستیابی به چنین مزیت رقابتی ظهور کرده است (Eni et al, 2025).

در دنایای امروز به خاطر تحولات عرصه فناوری اطلاعات و ارتباطات و توسعه شبکه‌های مجازی و طرح بیش از پیش عصر اطلاعات و دانش، تاکید بر مدیریت دانش در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی اهمیت زیادی پیدا کرده است. در این میان، اشتراک دانش به مثابه بعدی از مدیریت دانش به جهت نقش بی‌بدیل خود در توسعه دانشگاه‌ها و به تبع آن در جامعه، توجه پژوهشگران و محققان رشته‌های مختلف را به خود معطوف داشته است. امروزه در کشورهای مختلف و از جمله ایران مدیران، مشتاق به ایجاد سیستم‌های مدیریت دانش در سازمان‌ها با هدف بهره‌گیری از نتایج مفید آن هستند. یکی از مهم‌ترین فرآیندها در ساختارهای مختلف برای مدیریت دانش، اشتراک دانش بوده و انگیزش افراد برای تسهیم دانش در سازمان‌ها و دانشگاه‌ها، یکی از مهم‌ترین اولویت‌های دست‌اندرکاران مدیریت دانش در جهان می‌باشد (Danaeifard et al, 2012).

در دنیای دانش بنیان، اشتراک دانش عنصر کلیدی برنامه‌های مدیریت دانش کارآمد و موثر است. اشتراک هدفمند دانش در گروه‌های علمی به بهبود یادگیری فردی و سازمانی منجر گشته، خلاقیت را توسعه داده و در نهایت عملکرد مفید فرد، سازمان و گروه علمی را باعث می‌شود. اشتراکات علمی در ابعاد متفاوت اعم از تولید یا کاربرد مولد پیش‌بینی راهبردهای مناسب جهت ایجاد ارتباطات علمی بهینه، کسب وجهه اجتماعی مناسب و دستاوردهای علمی مقتصدانه است. امروزه نهادهای علمی سیاست‌ها و برنامه‌ها مرتبط با اشتراک دانش همگام با تسهیل اشتراکات در سایه فن‌آوری‌های نوین اطلاعاتی و دگردیسی تفکر علم فردی و انحصاری، پژوهشگران را در تسهیم دانش خود یاری می‌نماید (Tajadini et al, 2015).

علی‌رغم اهمیت تسهیم دانش برای بهبود سطح علمی دانشگاه و بالندگی آن در زمینه‌های آموزشی، پژوهشی و حرفه‌ای، نتایج پژوهش‌های انجام شده از میزان پایین تسهیم دانش در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی حکایت دارد.

در مطالعه فرج پهلوی و همکاران (۱۳۹۵) از نظر دانشجویان تحصیلات تکمیلی بین زیرساخت‌های فرهنگی و تمایل دانشجویان به اشتراک دانش در دانشگاه رابطه وجود دارد. یافته‌های سایر پژوهش‌ها هم موید این امر هستند که برخی از دانشگاه‌ها به لحاظ زیرساخت‌های لازم در بعد ساختار و کنشگر وضعیت متوسطی دارند ولی بسیاری از دانشگاه‌ها هم هستند که زیربنای لازم برای مشارکت در فرآیند تسهیم دانش یا ضعیف هست یا در حال تکوین می‌باشد. طی چند سال اخیر در محیط دانشگاه‌های ایران اعم از دانشگاه‌های دولتی و آزاد اسلامی، برای ارتقای شاخص‌های آموزشی و پژوهشی اقدامات توسعه‌ای مهمی انجام شده است. در این راستا، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری آیین‌نامه‌های فعال‌سازی شبکه علمی کشور برای اشتراک ظرفیت‌های پژوهش کشور و تصویب اولویت‌های علم و فناوری براساس نقشه جامع علمی کشور را ارائه داده است (Alipour darvishi, 2012). این اقدامات در حوزه اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها بوده و در این بین، به نقش دانشجویان در فرآیند تسهیم دانش توجه چندانی نشده است (Armon et al, 2019; Nemati anaraki et al, 2013; Hashemzadeh et al, 2022).

واقعیت این است که در محیط‌های علمی، تسهیم دانش و همکاری‌های علمی و پژوهشی نقش بسزایی در بهبود کیفیت یادگیری و بسط مهارت‌های دانش محور دارد. با این وجود، مشاهدات میدانی و نتایج پژوهش‌ها حکایت از کاهش انگیزه و افزایش سطح بی‌اشتیاقی به

تسهیم دانش در فرآیند های تعاملی و تبادل دانش دارد. این پدیده نه تنها بر فرآیند یادگیری-یاددهی دانشجویان تاثیر دارد بلکه می تواند بر فرهنگ علمی و توسعه پژوهش و نوآوری در اجتماع علمی تاثیر منفی بگذارد. پژوهش حاضر متمرکز بر دانشجومعلمان دانشگاه فرهنگیان که به عنوان یک دانشگاه ماموریت‌گرا و دارای اهداف آموزشی، پژوهشی و تربیتی نیروهای موردنیاز آموزش و پرورش می باشد. در این دانشگاه نزدیک به صد پردیس و مرکز در استان های مختلف دارد که مشغول تربیت نیروی انسانی مورد نیاز آموزش و پرورش هستند. در این پژوهش با دانشجومعلمان دانشگاه فرهنگیان استان آذربایجانشرقی مصاحبه شده است. بنابراین، هدف پژوهش حاضر مطالعه کیفی زمینه‌ها، علل و موانع عدم گرایش دانشجومعلمان به تسهیم دانش می‌باشد.

پیشینه و چارچوب نظری

مک درموت (۱۹۹۹) بر این باور بود وقتی گفته می شود که فردی دانش خود را تسهیم می کند، به این معنی است که آن فرد، فرد دیگری را با استفاده از دانش، بینش و افکار خود راهنمایی می کند تا او را کمک کند که موقعیت خود را بهتر کند. از نظر لی (۲۰۰۱) تسهیم دانش یعنی انتقال دانش از یک فرد، گروه و سازمان به دیگری (Hassan pour & sajjad, 2018) در الگوی مرتون از علم یکی از الزامات نهادی سرشت علم، بحث تسهیم دانش می باشد. به این معنا که محصول علم تحت مالکیت مشترک و عمومی قرار گیرد. وظیفه دانشمند است که یافته‌هایش را به دیگران انتقال دهد تا به گسترش معرفت کمک کند. یافته‌های علمی محصول همکاری اجتماعی است و به اجتماع تعلق دارد. این یافته‌ها در حکم میراث مشترک است، میراثی که در آن نقش‌های انفرادی در تولید علم بسیار کم اهمیت شمره می شود. افراد یک جامعه اعم از افرادی که در تولید علمی مشارکت داشته یا نداشته اند در بهره‌مندی از آن سهم خواهند بود. در علم حق تملک ابعاد محدودی دارد و حدود آن را اخلاق علمی مشخص می کند. ادعای دانشمند به ثروت ذهنی به شناخت و ارج گذاری آن محدود می شود. نظام «کپرنیکی» و قانون «بویل» در تمک همه افراد است (Mohseni, 2014) در واقع می‌توان گفت که در قالب الگوی مرتونی علم، دانش بشری محصول همکاری اجتماعی اندیشمندان و پژوهشگران در حوزه های مختلف است. بنابراین تسهیم دانش نیازمند فرآیندی است که در آن یافته های علمی در اجتماعات علمی به صورت گسترده به اشتراک گذاشته شود.

در قالب نظریه نظام‌ها، بوئر (۲۰۰۵) براین باور است که تسهیم دانش باید بواسطه توصیف بستری که در آن رخ می دهد، مطالعه شود. وی تئوری نظام انگستروم (۱۹۸۷) را به عنوان روش تدوین چارچوب تسهیم دانش اقتباس کرد. تئوری نظام‌ها، تسهیم دانش را نه فقط به عنوان یک هدف بلکه به عنوان وسیله رسیدن به هدف مفهوم‌سازی می‌کند. بنابراین، تئوری نظام‌ها، بستر تسهیم دانش را تسهیل می کند برای اینکه با ابعاد اجتماعی، فرهنگی و فیزیکی مرتبط می‌باشد. همانگونه که بوئر^۱ (۲۰۰۵) بیان می کند: جنبه های اجتماعی و فنی به اندازه ابعاد سازمانی حایز اهمیت است. قوت فعالیت نه تنها به دلیل تشخیص اجزاء مختلف نظام های فعالیت، بلکه برای تحلیل پویایی‌های روابط بین این اجزاء در یک رویکرد کلان می باشد. در واقع، همه اجزای نظام فعالیت می تواند بستری برای تسهیم دانش باشد (Karlsson and Rodriguez, 2015:21).

مدل خلق دانش نوناکا و تاکه‌چی شامل چهار مرحله اجتماعی سازی، برونی سازی، ترکیب و درونی سازی است. در مرحله اجتماعی سازی، شیوه اجتماعی، به مثابه فرآیند اشتراک تجربه‌ها شناخته می شود. پیامد آن، خلق دانش ذهنی و شکل‌گیری الگوها، تشکیل جلسه‌های حل مسئله و یا تهیه پایگاه متخصصان در یک زمینه خاص است. در مرحله ترکیب، فرایند قاعده مند ساختن مفاهیم در قالب نظام دانش است. این شیوه تبدیل دانش، مواردی همچون تلفیق اشکال مختلف دانش عینی را در برمی گیرد. مرحله برونی سازی، فرآیندی است که طی آن دانش ذهنی، در قالب مفاهیم عینی بیان می‌شود. در این شیوه، دانش ذهنی در قالب های مختلفی نظیر استعاره ها، قیاس، مفاهیم، فرضیه و یا الگو به دانش عینی تبدیل می‌شود. مرحله درونی سازی، فرآیندی است که طی آن دانش عینی در قالب ذهنی، تجسم می یابد. به عبارت دیگر، اطلاعات کسب شده در ترکیب با دانسته های پیشین پردازش شده و به دانسته جدید، با دانش ذهنی فرد تبدیل می‌شود (پازوکی و حاجی زین العابدینی، ۱۳۹۶).

در نظریه رفتار برنامه ریزی شده، قصد و نیت عوامل کلیدی هستند که معطوف بر عوامل انگیزشی است و روی رفتار تاثیر می‌گذارد. در واقع نشان می‌دهد که افراد چگونه انگیزه پیدا می‌کنند تا تلاش کنند و رفتار را عملی سازند. به مثابه یک قانون کلی، هرچه انگیزه افراد برای درگیر شدن در رفتار بیشتر باشد، عملکرد وی بهبود می‌یابد. بنابراین، این ایده که موفقیت افراد در اجرای رفتار به انگیزش (قصد و نیت) و توانایی (کنترل رفتاری) آنان بستگی دارد،

ایده‌ای جدید نیست. نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده، انگیزه اساسی افراد در انجام دادن رفتار، تحت تاثیر ملاحظات آنان نسبت به پیامدهای ناشی از انجام رفتار(نگرش‌های رفتاری)، هنجارهای محیط فعالیت (هنجارهای ذهنی) و فرصت‌ها، ابزارها و منابع لازم برای انجام یک رفتار (ادراک کنترل شده) است (Khoumiki dermian, 2016). با استفاده از این نظریه می‌توان چنین استدلال کرد که اگر دانشجویان نگرش منفی داشته باشند، به احتمال زیاد تسهیم دانش موجب از دست دادن برتری‌های رقابتی خود در فرآیندهای علمی و پژوهشی تلقی بکنند و در نتیجه به تسهیم دانش بی‌علاقه باشند.

(Guo et al, 2023) در پژوهشی با استفاده از رویکرد کمی به این نتیجه رسیدند که انگیزش‌هایی نظیر پاداش‌های سازمانی و منافع متقابل، اعتماد مبتنی بر تاثیر را افزایش می‌دهند، در نتیجه، هنگام استفاده کارکنان از رسانه اجتماعی سازمانی، اشتراک دانش افزایش می‌یابد. انگیزش انتظار موفقیت و ارتباط شغلی تاثیر مستقیمی بر اعتماد مبتنی بر فناوری داشته و تسهیم دانش را بهبود می‌بخشد. اعتماد مبتنی بر تاثیر و اعتماد مبتنی بر فناوری هر دو بر انگیزش‌ها و تسهیم دانش نقش واسطه‌ای دارد.

(Karasneh & Al-zoubi, 2018) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که عوامل ساختارسازمانی (برای مثال رسمی شدن، مرکزی شدن و زیرساخت‌های تکنولوژیکی) دارای اهمیت بوده و تاثیر زیادی بر تسهیم دانش دارد درحالی‌که عوامل فرهنگ سازمانی (برای نمونه خلاقیت سازمانی، حمایت مدیریت کلان و اعتماد بین کارکنان) غیر معنی داری و تاثیر منفی بر تسهیم دانش در مرکز مورد بررسی دارد.

(Park & Gabbard, 2018) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که نفع متقابل و ترس از به دام افتادن از عوامل موثر در رفتار اشتراک دانش ضمنی و آشکار دانشمندان علوم زیستی می‌باشد. مقوله اعتبار تاثیر اصلی بر نیت اندیشمندان نسبت به اشتراک گذاری دانش آشکار و مقوله روابط پیش بینی شده تاثیر زیادی بر نیت دانشمندان نسبت به اشتراک گذاری دانش ضمنی را تبیین می‌کند.

(Lee et al, 2016) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که مولفه قبیله‌ای فرهنگ سازمانی بیش از مؤلفه سلسله مراتبی آن بر اشتراک دانش تاثیرگذار می‌باشد و بهبود فرآیند نرم افزاری اشتراک دانش تعدیل کننده فرهنگ سازمانی قبیله‌ای و حمایت مدیریتی در بستر موفقیت فرآیند نرم افزاری می‌باشد

(Yeon et al, 2015) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که محرک‌های درونی و بیرونی

به طور معنی‌داری بر قصد و نیت اعضای مرکز به تسهیم دانش تاثیر دارد. سرمایه شناختی و ارتباطی تاثیر معنی‌داری بر میزان تسهیم دانش اعضای مرکز دارد. درحالی که، سرمایه ساختاری تاثیر معنی‌داری در قصد تسهیم دانش نداشت. قصد و نیت تسهیم دانش اعضای مرکز به طور معنی‌داری با رفتار اشتراک دانش واقعی آنها مرتبط می‌باشد.

(Akbarpour et al, 2023) در پژوهشی با روش پیمایشی به این نتیجه رسیدند که متغیرهای سن و جنس و گروه‌های عمده تحصیلی دانشجویان در رفتار اشتراک دانش آنها موثر هست. یافته‌های این پژوهش نشان داد که بین میزان اشتراک دانش و مولفه‌های نگرش، انگیزش، موانع، منابع، انواع اطلاعات و نگرش به اشتراک دانش ارتباط معناداری وجود دارد.

(Beyranvand et al, 2020) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که جو سازمانی بر رفتار نوآورانه و تسهیم دانش تاثیر معنی‌دار و مثبت دارد. از یک طرف تسهیم دانش مستقیم بر رفتار نوآورانه اثر دارد. تاثیر مستقیم جو سازمانی بر رفتار نوآورانه ۰/۵۲ است که این اثرگذاری به واسطه نقش تسهیم دانش تقویت و به میزان ۰/۸۳ افزایش می‌یابد.

(Abasszadeh & Ghasemzadeh, 2018) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که هفت عامل مهم از نظر اعضای هیئت علمی به اشتراک دانش وجود دارند که عبارتند از: شکاف بین نگرش دینی و عمل، احساس قدرت از طریق حبس دانش، ضعف در سرمایه اجتماعی دانشگاهی، ترس از کپی برداری، نا مطلوبیت خدمات دانشگاهی و فقدان عناصر برانگیزاننده. مقوله محوری این پژوهش حبس دانش بوده است.

با تامل و دقت در پیشینه پژوهش حاضر، وجه تمایز این پژوهش هم مشخص می‌شود نخست اینکه بسیاری از این پژوهش‌ها با رویکرد کمی و تکنیک پیمایشی و با تمرکز بر آزمون فرضیه‌ها و روابط بین آنها انجام شده است در حالی که پژوهش حاضر با استفاده از رویکرد کیفی و شیوه داده بنیاد به کشف مفاهیم جدید و بسترها و شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر در ارتباط با بی‌اشتیاقی به تسهیم دانش پرداخته است. دوم اینکه مطالعات پیشین عمدتاً در مراکز علمی و سازمان‌های فرهنگی و صنعتی انجام شده‌اند در حالی که پژوهش حاضر در بین دانشجومعلم‌ان دانشگاه فرهنگیان که دارای ویژگی‌های خاص اجتماعی، فرهنگی و حرفه‌ای هستند و هویت دوگانه دانشجویی و معلم آینده بودن را دارند، انجام شده است. سوم اینکه پژوهش حاضر بنا به مقتضیات روش انجام پژوهش علاوه بر شناسایی شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر، راهکارها و استراتژی‌های متناسب با ساختار و ماموریت دانشگاه فرهنگیان در رابطه

با بی‌اشتیاقی دانشجومعلم‌ان به تسهیم دانش را ارایه می‌دهد که می‌تواند مورد استفاده مدیران و تصمیم‌گیران قرار گیرد.

روش

روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش، رویکرد کیفی و شیوه داده‌بنیاد است. با استفاده از این روش، محقق یک چارچوب تحلیلی انتزاعی از یک فرآیند یا اقدام و تعامل به دست می‌دهد (Creswell, 2017). مشارکت‌کنندگان این پژوهش دانشجومعلم‌ان دانشگاه فرهنگیان استان آذربایجان شرقی هستند که با استفاده از روش نمونه‌گیری نظری و هدفمند با ۲۵ نفر از آنها مصاحبه به عمل آمد. معیار ورود مشارکت‌کنندگان به میدان مطالعه، داشتن حداقل یک سال سابقه آموزشی در دانشگاه، داشتن معدل بالا در بین ورودی‌ها، کسب رتبه‌های برتر در جشنواره پویش، فعالیت در انجمن‌های علمی، تمایل به بیان تجربه‌ها در مصاحبه و رضایت آگاهانه برای شرکت مصاحبه است. در این پژوهش بعد از انجام مصاحبه‌ها، اطلاعات مصاحبه‌های ضبط‌شده پیاده شده و با استفاده از شیوه اشتراوس و کوربین، مصاحبه‌ها در سه مرحله کدگذاری باز^۱، محوری^۲ و گزینشی^۳ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در کدگذاری باز، متن مصاحبه‌ها به صورت سطر به سطر خوانده شده و به صورت کدهایی ثبت شدند. در کدگذاری محوری کدهای استخراج شده در کدگذاری باز با یکدیگر مقایسه و موارد مشابه، حول محور مشترکی ادغام می‌شوند. سرانجام در کدگذاری گزینشی متغیر اصلی پژوهش مشخص می‌شود که از تکرار زیاد مولفه یا متغیر حاصل می‌شود.

معیار قضاوت در نمونه‌گیری نظری هنگامی اتفاق می‌افتد که اشباع نظری صورت پذیرد. تکنیک جمع‌آوری داده‌ها در پژوهش حاضر، مصاحبه عمیق می‌باشد و مدت مصاحبه از ۵۰ تا ۶۰ دقیقه متغیر بوده است. به منظور برآورد قابلیت اعتبار از معیارهای لینکلن و گوبا^۴ استفاده شده است (Mohammadpour, 2010). به منظور اعتباربخشی اطلاعات گردآوری شده و اطمینان از درستی آنها تحلیل مقایسه‌ای مداوم صورت گرفت. به این ترتیب که بعد از انجام مصاحبه‌ها، تجزیه و تحلیل آنها بلافاصله انجام شده و به صورت مستمر مورد بازبینی قرار می‌-

-
- 1 . Open Coding
 - 2 . Axial Coding
 - 3 . Selective Coding
 - 4 . Lincoln & Guba

گرفت. برای افزایش معیار انتقال پذیری، اهداف پژوهش به مشارکت کنندگان توضیح داده شد و رضایت آنها برآورد گردید. معیار قابلیت تایید هم بواسطه بررسی دقیق اطلاعات توسط مشارکت کنندگان پژوهش برآورد شده است. به این منظور، بخش هایی از کدگذاری و مقوله ها به مشارکت کنندگان ارائه شد و از آنها خواسته شد که برداشت و تفسیر محقق معنای مورد نظر آنها را منعکس می کند؟ و اینکه نقل و قول ها و اظهارات آنها به درستی درک شده است؟ در جدول (۱) مشخصات مشارکت کنندگان این پژوهش ذکر شده است.

جدول ۱: مشخصات مشارکت کنندگان پژوهش

کد	جنس	سن	نیمسال تحصیلی	رشته	کد	جنس	سن	نیمسال تحصیلی	رشته
۱	دختر	۲۱	سوم	آموزش ریاضی	۱۴	پسر	۲۱	چهارم	آموزش ابتدایی
۲	پسر	۲۲	ششم	آموزش فیزیک	۱۵	پسر	۲۲	ششم	آموزش زیست
۳	پسر	۲۰	سوم	آموزش ابتدایی	۱۶	پسر	۲۲	پنجم	آموزش فیزیک
۴	دختر	۲۰	چهارم	آموزش شیمی	۱۷	پسر	۲۱	پنجم	آموزش ریاضی
۵	پسر	۲۱	پنجم	آموزش ریاضی	۱۸	دختر	۲۰	چهارم	آموزش ابتدایی
۶	پسر	۲۲	چهارم	آموزش زیست	۱۹	پسر	۲۱	ششم	آموزش شیمی
۷	پسر	۲۱	ششم	آموزش شیمی	۲۰	دختر	۲۰	سوم	آموزش شیمی
۸	دختر	۲۲	ششم	آموزش	۲۱	پسر	۲۲	پنجم	آموزش فیزیک

					ابتدایی				
۹	دختر	۲۲	هفتم	آموزش ابتدایی	۲۲	دختر	چهارم	آموزش زیست	
۱۰	پسر	۲۲	هشتم	آموزش فیزیک	۲۳	دختر	سوم	آموزش فیزیک	
۱۱	دختر	۲۰	چهارم	آموزش شیمی	۲۴	دختر	پنجم	آموزش ابتدایی	
۱۲	پسر	۲۱	پنجم	آموزش زیست	۲۵	پسر	ششم	آموزش فیزیک	
۱۳	دختر	۲۲	ششم	آموزش ابتدایی					

یافته‌ها

مشارکت کنندگان پژوهش حاضر ۲۵ نفر از دانشجومعلم‌ان دانشگاه فرهنگیان استان آذربایجان شرقی بودند که در مقطع کارشناسی در حال تحصیل بودند. بعد از تحلیل داده‌های مصاحبه‌ها در کدگذاری باز ۳۴۱ کد استخراج شد. مشارکت کنندگان در پاسخ به این سوال که عوامل موثر بر عدم گرایش دانشجویان به تسهیم دانش چه می‌باشد؟ عوامل زمینه‌ساز و مداخله‌گر در این رابطه چه می‌باشد؟ راهکارهای اشتراک دانش چه می‌باشد؟ جدول ۲: مراحل کدگذاری سه مرحله ای باز، محوری و انتخابی

ابعاد مدل پارادایمی	کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کدگذاری گزینشی
شرایط علی	قدرت دانش، اهمیت اطلاعات، وقت گذاشتن، هزینه کردن، حس برتری، نفوذ داشتن، امتیاز فعالیت فردی، رقابت، نبود حس تیمی، ضعف کار گروهی، منفعت، سود، سبک و سنگین کردن، صرفه اقتصادی	حس قدرت در دانش	تسلط خودمحوری در بین دانشجویان
		برجستگی فعالیت فردی	
		روحیه منفعت طلبی	

نقص تعیین گرهای سیستمی	ضعف حمایت های ساختاری دانشگاه	نبود امکانات، کمبود پاداش، نداشتن پشتیبانی، نبود انگیزه، ضعف حمایت، نقص مشوق	زمینه و بافت
	نامطلوبیت زیرساخت های فناوریانه	مادی، وضعیت استخدامی، نبود زیرساخت، فناوری قدیمی، وضعیت نامناسب اینترنت، دسترسی ضعیف به سایت های علمی، پولی بودن سایت های علمی، نداشتن کتابخانه مناسب، کمبود فضای خوابگاهی، کمبود قرائتخانه، نبود روحیه علمی	
	ضعف در ارائه خدمات علمی		
نبود سرمایه اجتماعی دانشگاهی	بی اعتمادی	ضعف ارتباطات، تعاملات ضعیف، داشتن سوء ظن، شک و تردید، نداشتن جو ارتباطی با سایر دانشگاه ها، ارتباطات ضعیف، ضعف ارتباط با استادان، فشرده بودن کلاس ها، تربیت خانوادگی، فرهنگ مدرسه ای، تعصب های قومیتی، تعصب زبانی، پیشینه خانوادگی.	شرایط مداخله گر
	ضعف در تعاملات دانشگاهی		
	نقص در جامعه پذیری تربیتی و فرهنگی		
تشکیل اجتماعات علمی مبتنی بر کار گروهی	توسعه انجمن های علمی	کارهای گروهی، ایجاد انجمن های علمی، همکاری علمی، همکاری پژوهشی، کار تیمی، پروژه های مشترک، تجهیزات رایانه ای، کارگاه های کامپیوتر، توسعه قرائتخانه، اشتراک سایت های علمی، دسترسی به منابع، تجهیز کتابخانه	راہبردها
	بسط هسته های پژوهشی بین رشته ای		
	توسعه زیرساخت های فناوری محور		
بالندگی میدان دانشگاهی	تقویت مهارت های ارتباطی	توانمندسازی، مهارت ارتباط، شبکه سازی، تعاملات بین دانشگاهی، مهارت های خلاقانه، نوآوری، تمرین کارآفرینی اجتماعی،	پیامدها
	تقویت مهارت های خلاقانه و نوآرانه		

--	--	--	--

شرایط علی: تسلط خودمحوری در بین دانشجویان

برخی از مشارکت‌کنندگان این پژوهش، در پاسخ به عوامل موثر بر نبود تمایل به تسهیم دانش در بین دانشجویان به مفاهیمی نظیر حس قدرت در دانش، منفعت طلبی، برجستگی کار فردی اشاره کردند که در مقوله تسلط خودمحوری در بین دانشجویان طبقه بندی شده است.

حس قدرت در دانش

برخی از مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر به مقوله‌های «توانایی در دانایی است» و «قدرت بودن علم» اشاره می‌کردند و همین امر را از عوامل اصلی عدم گرایش به تسهیم دانش در بین دانشجومعلم‌ان می‌دانستند. در فحوای کلام دانشجومعلم‌ان این مقوله دلالت بر این داشت که آنها دانایی و نگهداشت دانش را منبعی برای تمایز خود با دیگران و حس برتری تلقی می‌کردند.

دانشجوی رشته ریاضی اظهار می‌کرد: «یه سخن معروف میگه دانش و اطلاعات موجب قدرت هستن. منم اگه بخوام قدرت داشته باشم نباید اطلاعات و دانشم رو به بقیه بدم». دانشجوی رشته آموزش فیزیک چنین می‌گفت: «در رابطه با اون بخش از اطلاعاتی که می‌خوام انتقال بدم و مفید هستن، خیلی هزینه کردم و وقت گذاشتم و چون بقیه برای یادگیری اونا به من مراجعه می‌کنند حس خوبی دارم که دنبالم بگردن و بیان هزینه هم کنند تا یادشون بدم، یه جورایی حس خوشایندی داره».

برجستگی فعالیت فردی

این مقوله اشاره به این معنا دارد که افراد، انجام فعالیت‌ها را به صورت مستقل و مبتنی بر توانایی شخصی دارای ارزش می‌دانستند و از این رو تمایل کمتری به مشارکت و تسهیم دانش با دیگران داشتند. برخی از دانشجویان به وجود روحیه فردگرایی و پایین بودن روحیه کار تیمی و گروهی و عدم باور به آن را از علت‌های اصلی می‌دانستند. به نظر می‌رسد که فرهنگ آموزشی در کشور ما بیشتر مبتنی بر رقابت است که در آن دانش آموزان و دانشجویان برای رسیدن به یک هدف مشخص با دیگران به رقابت می‌پردازند و فرد زمانی موفق می‌شود که دیگران ضعیف تر از او ظاهر شوند (شمس و همکاران، ۱۳۹۲).

دانشجوی رشته آموزش زیست شناسی اظهار داشت «اگر کسی روحیه کار گروهی نداشته باشد مسلماً نمی‌تواند با جمعی از افراد بشینه و ارتباط دو طرفه برقرار کند. چون تسهیم دانش در واقع یک کار گروهی هست».

دانشجوی رشته آموزش شیمی گفت: «بسیاری از شاخص‌های جشنواره‌های علمی و پژوهشی بر فعالیت‌های امتیاز می‌دهند. این موضوع کم‌اهمیتی نیست».

روحیه منفعت طلبی

به نظر می‌رسد با توجه به وضعیت استخدامی دانشجومعلم‌ان حس رقابت برای کسب امتیازات در بین آنها زیاد هست. این امر موجب می‌شود روحیه منفعت طلبی در بین دانشجومعلم‌ان افزایش یافته و هر کسی نفع خود را دنبال کند. دانشجوی رشته آموزش ابتدایی می‌گفت: «کسی که می‌خواهد دانش و تجربیات خودش رو به اشتراک بذاره میاد سبک و سنگین می‌کنه می‌بینه این کارش برای اون منفعت داره یا نه. اگر داشته باشه دانش و تجربیاتش رو با بقیه به اشتراک می‌ذاره. اگر هم سودی نداشته باشه این کار رو انجام نمیده».

زمینه و بافت: نقص تعیین‌گرهای سیستمی

برخی از مشارکت‌کنندگان در ارتباط با شرایط زمینه‌ای موثر بر عدم تمایل دانشجویان به تسهیم دانش به مفاهیمی اشاره کردند که در مقوله‌های ضعف حمایت‌های ساختاری دانشگاه، نامطلوبیت زیرساخت‌های فناورانه و ضعف در ارائه خدمات علمی طبقه‌بندی شده است.

ضعف حمایت‌های ساختاری دانشگاه

مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر، عدم حمایت‌های مادی و معنوی دانشگاه را از علل موثر بر عدم گرایش به تسهیم دانش در دانشگاه تاکید داشتند. ضعف حمایت‌های ساختاری معطوف بر نبود سازوکارها، امکانات و مشوق‌های موثر برای تسهیم دانش است که دانشجومعلم‌ان احساس می‌کنند محیط دانشگاهی از فعالیت‌های مشارکتی و انتقال دانش و تجربه پشتیبانی نمی‌کند و این امر در نهایت انگیزه آنها را تحت تاثیر می‌گذارد.

دانشجوی رشته آموزش ابتدایی اظهار می‌کرد: «مسئولان دانشگاه به دنبال شناسایی دانشجویایی نیست که تسهیم دانش میکنند. شاید دانشجو نیاز به حمایت داشته باشد، نیاز به امکانات و انگیزه داشته باشد».

دانشجوی آموزش زیست شناسی چنین می‌گفت «دانشگاه هیچ مشوق مادی برای کسی که دنبال علم و دانش هست نداره. خب بیشتر دانشجویان هم این وضع رو مبین که حمایت نمی‌کنه دل سرد میشن».

دانشجوی آموزش ریاضی می‌گفت: «وقتی که من تو دانشگاه دنبال کار علمی و پژوهشی هستم یا درس می‌خونم توی دانشگاه بعضی‌ها بر میگردن میگن چرا درس میخونی، هممون آخرش استخدام هستیم، چرا خودتو خسته می‌کنی، من که نمی‌خونم محل خدمتم از تویی که می‌خونی بهتر میشه... خوب با این وجود دیگه انگیزه‌ای نمی‌مونه».

نامطلوبیت زیرساخت‌های فناورانه

یکی دیگر از عواملی که در خصوص عدم گرایش دانشجویان به تسهیم دانش از سوی مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر به آن اشاره می‌شد مقوله نامطلوبیت زیرساخت‌های تکنولوژیکی دانشگاه بود. با تأمل در یافته‌های این پژوهش و همچنین اظهارات مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر استنباط می‌شود که نامناسب بودن یا ضعف در زیرساخت‌های تکنولوژیکی یکی از موانع اصلی برای تسهیم دانش در دانشگاه می‌باشد.

دانشجوی آموزش زیست‌شناسی براین امر تأکید داشت که «کانال‌های ارتباطی خوبی در دانشگاه وجود نداره. وضعیت اینترنت خیلی خرابه. دانشجو بایستی از پایگاه‌های علمی استفاده بکنه تا دانش سودمندی کسب بکنه».

دانشجوی آموزش فیزیک چنین اظهار داشت: «در روز هم که می‌خواهیم از سیستم‌های رایانه‌ای استفاده بکنیم بایستی منتظر باشیم تا کلاس تموم بشه. اصلاً سایت کامپیوتری خوبی وجود نداره. دانش معتبر رو از طریق تکنولوژی باید کسب کنیم اونم که دسترسی ما محدوده».

ضعف در ارائه خدمات علمی

برخی از مشارکت‌کنندگان این پژوهش، در رابطه با عوامل زمینه‌ای موثر بر عدم تمایل به تسهیم دانش در بین دانشجویان را مرتبط با ضعف و کاستی‌هایی در ارائه خدمات علمی می‌دانستند و بر این باور بودند که دانشگاه به پایگاه‌های علمی معتبر دسترسی ندارد و دانشجو هم تمایل چندانی برای پژوهش و جستجوگری علمی ندارد.

دانشجوی آموزش ریاضی اظهار داشت «دانشگاه ما نه فقط پردیس‌ها در حالت کلی با پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر خارجی اصلاً اشتراکی نداره تا دانشجویان بتونن از آنها استفاده بکنند. من از کجا بیارم برای مقاله خارجی که می‌خوام استفاده کنم پول بدم».

شرایط مداخله‌گر: نبود سرمایه اجتماعی دانشگاهی

برخی از مشارکت کنندگان در رابطه با شرایط مداخله گر به مفاهیمی اشاره کردند که در مقوله های بی اعتمادی، ضعف در تعاملات دانشگاهی و نقص در جامعه پذیری تربیتی و فرهنگی طبقه بندی شده است.

بی اعتمادی

یکی از عواملی که مشارکت کنندگان پژوهش حاضر، آن را در عدم گرایش دانشجویان به تسهیم دانش ذکر می کردند، وجود بی اعتماد به یکدیگر بود. اعتماد بین فردی در سطح خرد و اعتماد نهادی در سطح کلان موجبات به اشتراک گذاری دانش و تجربه را فراهم می سازد. در واقع اعتماد همانند چسبی است که اعضای شبکه دانش را به هم پیوند داده و آنها را به سوی خلق دانش و تسهیم دیگران در یافته های خود سوق می دهد. بی اعتمادی میان افراد، از موانع مهم تسهیم دانش به شمار می رود؛ زیرا نبود اعتماد بین فردی و نهادی موجب کاهش احساس امنیت در تعاملات علمی و اجتماعی می گردد. از منظر نظری، اعتماد به مثابه بعدی از سرمایه اجتماعی، انسجام شبکه های دانشی را تضمین کرده و زمینه ساز جریان آزاد اطلاعات، یادگیری متقابل و تولید مشترک دانش را فراهم می سازد؛ فقدان آن، افراد را به انزوا و حبس دانش سوق می دهد.

دانشجوی آموزش ابتدایی اظهار می کرد: «از نظر من مهم ترین عامل در تسهیم دانش اعتماد داشتن هست. منی که می خوام دانش و اطلاعات خودم رو به دیگری انتقال بدم باید مطمئن باشم که از اون سوء استفاده نخواهد شد». دانشجوی رشته مشاوره چنین می گفت: «زمانی بوده که من در یک مسابقه ایده پردازی در دانشگاه، فکر و ایده خود را به دوستم در خوابگاه گفتم اونم رفته یه کم تغییر داده و در مسابقه شرکت کرده و جایزه برده، با این وضع آیا اعتمادی باقی می مونه؟».

ضعف در تعاملات دانشگاهی

یکی از عوامل تاثیرگذار بر عدم تسهیم دانش دانشجومعلمان دانشگاه فرهنگیان به زعم برخی از مشارکت کنندگان تحقیق، ضعف در تعاملات دانشگاهی است. ضعف در تعاملات دانشگاهی به ضعف ارتباط مؤثر بین دانشجومعلمان و استادان اشاره دارد؛ این وضعیت باعث کاهش اعتماد، همکاری و تبادل تجربیات علمی می شود. بنابراین، چنین وضعی بازتابی از ضعف سرمایه اجتماعی و جو ارتباطی مشارکت محور در محیط دانشگاه است که مانع شکل گیری شبکه های دانشی و انگیزه برای تسهیم دانش میان اعضا می گردد.

دانشجوی آموزش ابتدایی تاکید داشت «میزان ارتباط ما با دانشگاه‌های دیگر خیلی پایین هست. تا زمانی که ارتباط وجود نداشته باشه، خلق دانشی هم صورت نمی‌گیره. در بسیاری از موارد دیگر هم چنین است».

دانشجوی آموزش ریاضی اظهار داشت: «درس‌های ما در چند روز به صورت فشرده ارائه میشه و واقعاً خسته می‌شویم. فرصت برای همکاری با استادان برای ما خیلی کم هست».

نقص در جامعه پذیری تربیتی و فرهنگی

مقوله محوری تاثیر زمینه‌های تربیتی دانشجویان در فحوای مصاحبه برخی از دانشجویان نمود داشت. این گروه از دانشجویان به پیش زمینه‌های تربیت خانوادگی، فرهنگ مدرسه‌ای و حتی تعصب‌های قومیتی اشاره می‌کردند.

دانشجوی آموزش شیمی چنین اظهار داشت: «برخی از دانشجویان الکی به چیزایی متعصب هستند و این تعصب بی جاشون باعث میشه که اطلاعات و دانش خودشون رو با کسانی که متفاوت از خودشون هستن و دارای زبان و قومیت متفاوت می‌باشن به اشتراک نذارن و در برخی موارد ارتباط خوبی هم ندارند».

دانشجوی آموزش ریاضی چنین می‌گفت «با توجه به اینکه از زبان‌های مختلف در دانشگاه هستن همین امر در مواردی باعث میشه که تعاملات ما کم بشه حتی در امور روزمره چه برسه به درس. واقعیت اینه که برخی هم به زبان‌های خودشون تعصب دارند و نمی‌خواهند فارسی صحبت کنند».

راهبردها: تشکیل اجتماعات علمی مبتنی بر کار گروهی

تشکیل اجتماعات علمی مبتنی بر کار گروهی به‌مثابه راهبرد، بر ایجاد بسترهای تعامل، توسعه هسته‌های پژوهشی و زیرساخت‌های فناوری محور در محیط دانشگاه تأکید دارد. این مقوله در قالب نظریه مناسب تعاملی کالینز قابل تفسیر است، زیرا اجتماعات علمی گروه‌محور، با تسهیل ارتباطات افقی و ایجاد حس تعلق و هویت علمی مشترک، زمینه تسهیم مؤثر دانش، تولید جمعی ایده‌ها و ارتقای کیفیت پژوهش و آموزش را فراهم می‌سازند.

توسعه انجمن‌های علمی

برخی از دانشجویان شرکت کننده در پژوهش حاضر در فحوای مصاحبه، تشویق کارهای گروهی و تیمی را به عنوان راهکار مطلوب برای افزایش تسهیم دانش ذکر می‌کردند. دانشجوی رشته آموزش فیزیک چنین اظهار می‌کرد: «در دانشگاه باید انجمن‌های علمی رشته‌های مختلف گسترش یابند تا از این طریق تولید علمی و همکاری‌ها در زمینه دانش افزایش یابند».

بسط هسته‌های پژوهشی بین رشته‌ای

برخی از مشارکت کنندگان، بسط هسته‌های پژوهشی بین رشته‌ای را به مثابه راهکار مطلوب در رابطه با ترویج تسهیم دانش در بین دانشجویان تلقی می‌کردند. بسط هسته‌های پژوهشی بین رشته‌ای نه تنها دانش و تجربیات دانشجویان را در حوزه‌های مختلف تقویت می‌کند، بلکه فرآیند تسهیم دانش و انتقال آن در سطح جامعه را تسهیل می‌کند. دانشجوی آموزش ابتدایی اظهار می‌کرد: «بعضی از درس‌ها هستن که دانشجویها رو مجبور می‌کنن که برای انجام دادن اون درس باید کاری را به صورت گروهی انجام بدین. بنظرم این مواقع بهترین فرصت تمرین کار تیمی است و اگه درست صورت بگیره به تحقق تسهیم دانش کمک می‌کنه».

دانشجوی رشته آموزش شیمی می‌گفت که «در رشته‌های ما زمینه همکاری و کار گروهی زیاده فقط بایستی استادان و دانشگاه حمایت کنن تا بهتر صورت بگیره».

توسعه زیرساخت‌های فناوری محور

مشارکت کنندگان پژوهش حاضر توسعه و گسترش زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات را راهکار ارتقای تسهیم دانش در بین دانشجویان می‌دانستند. دانشجوی رشته آموزش ابتدایی چنین می‌گفت: «اگر در دانشگاه بسترهای فناوری اطلاعات به خوبی توسعه یابند زمینه‌های افزایش اطلاعات در موضوعی خاص از یک سو و تسهیم دانش از سوی دیگر به وجود می‌آید».

دانشجوی رشته آموزش ریاضی بر این امر تأکید می‌کرد و می‌گفت: «پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان خیلی مجهز به تکنولوژی رایانه‌ای نیستن. دانشگاه‌های دیگر بودجه‌های زیادی را به تجهیز سایت‌های رایانه‌ای در دانشکده‌ها و خوابگاه‌ها می‌کنند در حالی که دسترسی ما خیلی محدود می‌باشد».

دانشجوی رشته آموزش فیزیک می‌گفت: «در دانشگاه‌های دیگر هزینه زیادی بابت اشتراک در پایگاه‌ها و منابع اطلاعاتی داخلی و خارجی می‌کنند که دانشجویها به راحتی از آنها استفاده می‌کنند ولی ما دسترسی نداریم».

پیامدها: بالندگی میدان دانشگاهی

مشارکت‌کنندگان در پاسخ به این سوال که پیامدهای تسهیم دانش در دانشگاه چه می‌باشد؟ به مقوله‌هایی نظیر «تقویت مهارت‌های ارتباطی»، «بهبود مهارت‌های علمی» و «توجه به شایستگی» اشاره کردند.

تقویت مهارت‌های ارتباطی

مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر تقویت مهارت‌های ارتباطی را پیامد تحقق تسهیم دانش در بین دانشجویان می‌دانستند. تقویت مهارت‌های ارتباطی به توانمندسازی افراد در انتقال دانش و مهارت و تجربه خود اشاره دارد. از منظر مشارکت‌کنندگان این پژوهش، بهبود مهارت‌های ارتباطی از پیامدهای تحقق تسهیم دانش در دانشگاه است. به یک معنا، تعاملات ارتباطی موثر و تسهیم دانش دانش ارتباط متقابل و دوسویه دارند.

دانشجوی آموزش فیزیک اظهار می‌کرد: «اگر دانشجویان به این باور برسند که دانش و اطلاعات خود را با دیگران به اشتراک بگذارند، تعاملات مثبت بین دانشجویان به وجود می‌آید». دانشجوی آموزش ابتدایی چنین می‌گفت: «اگر تسهیم دانش پیاده بشود یعنی اینکه من به دوستم، همکارم و همکلاسم و کسانی که از یافته‌های علمی من استفاده خواهند کرد، اعتماد دارم».

دانشجوی آموزش شیمی اظهار می‌کرد: «در صورتی که تسهیم دانش در دانشگاه محقق شود، به تدریج کار گروهی و روحیه نشاط آور آن در دانشگاه به وجود می‌آید. همه در یک کار علمی شرکت می‌کنند و از این کار لذت می‌برند».

تقویت مهارت‌های خلاقانه و نوآرانه

مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر «تقویت مهارت‌های خلاقانه و نوآرانه» را یکی دیگر از پیامدهای تحقق تسهیم دانش در بین دانشجویان می‌دانستند. تقویت مهارت‌های خلاقانه و نوآرانه به توسعه ظرفیت‌های افراد برای تولید ایده‌های جدید، حل مسئله به شیوه‌های علمی و بازآفرینی دانش موجود اشاره دارد.

دانشجوی آموزش ریاضی بیان داشت: «اگر تسهیم دانش در بین استادان و دانشجویان با سازوکارهای درست انجام شود، شاهد محیط خلاق و پویای دانشگاه خواهیم بود. این امر موجبات بهبود سطح علمی دانشجویان و دانشگاه خواهد شد».

دانشجوی آموزش شیمی اظهار داشت: «زمانی که تسهیم دانش در بین دانشجویان تحقق پیدا بکند، فرآیند انجام پژوهش و تحقیق بهبود می‌یابد، همکاری علمی بیشتر خواهد شد و

شایستگی به معنای واقعی خود افزایش خواهد یافت». دانشجوی آموزش زیست‌شناسی در رابطه با پیامدهای اشتراک دانش اظهار می‌کرد: «وقتی باور به اشتراک دانش و تجربه در بین دانشجویان زیاد بشود، پویایی دانشگاه به اوج خواهد رسید».

شرایط علی

تسلط خودمحوری در بین دانشجویان
حس قدرت در دانش
برجستگی فعالیت فردی

زمینه

نقص تعیین گره‌های سیستمی
ضعف حمایت‌های ساختاری
نامطلوبیت زیرساخت‌های
فناورانه
ضعف در ارائه خدمات علمی

شرایط مداخله‌گر

نبود سرمایه اجتماعی دانشگاهی
بی‌اعتمادی
ضعف در تعاملات دانشگاهی
نقص در جامعه‌پذیری تربیتی و
فرهنگی

پدیده

بی‌اشتیاقی به تسهیم دانش

راهبردها

تشکیل اجتماعات علمی مبتنی بر کار گروهی
توسعه انجمن‌های علمی
بسط هسته‌های پژوهشی بین رشته‌ای

ساماندها

بالندگی میدان دانشگاهی
تقویت مهارت‌های ارتباطی
تقویت مهارت‌های خلاقانه و نوآورانه

شکل ۱. مدل پارادایمی بی‌اشتیاقی به تسهیم دانش (شرایط علی، راهکارها و پیامدها)

بحث

هدف پژوهش حاضر، مطالعه زمینه‌ها و علل بی‌اشتیاقی به تسهیم دانش در بین دانشجومعلم‌ان دانشگاه فرهنگیان استان آذربایجان شرقی است. تحلیل داده‌ها نشان داد که احساس قدرت در دانش، برجستگی فعالیت‌های فردی و روحیه منفعت‌طلبی به مثابه مقوله‌های شرایط علی در مقوله اصلی «تلقی قدرت بودن دانش» طبقه‌بندی شده است. این یافته هم‌راستا با نظریه «رفتار برنامه‌ریزی‌شده» آجزن است که باورهای فرد درباره پیامد رفتار و نگرش‌های شخصی نسبت به تسهیم دانش، رفتار نهایی او را پیش‌بینی می‌کند. در صورتی که داده‌های حاصل از اظهارات مشارکت‌کنندگان این پژوهش در قالب نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده تحلیل شود، چنین استنباط می‌شود که در چارچوب این نظریه، دانشجویان تسهیم دانش را رفتاری کم‌منفعت تلقی کرده و آن را با از دست‌دادن برتری علمی خویش مرتبط می‌دانستند. این درک باعث شکل‌گیری نگرش منفی و در نتیجه قصد رفتاری ضعیف نسبت به تسهیم دانش می‌شود. مدل آجزن فرض می‌کند که قصد رفتاری قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده رفتار است؛ اگر دانشجویان تسهیم دانش را منجر به تضعیف جایگاه خود بدانند، قصد کمتری برای انجام آن خواهند داشت. از سوی دیگر، نظریه ساختار هنجاری علم مرتون چنین نگرشی را در تضاد با اصل «اشتراک‌گرایی» می‌داند که پژوهشگران را موظف به انتشار و اشتراک‌گذاری یافته‌های خود برای استفاده دیگران می‌داند. مرتون بر این باور است که علم تنها در صورتی پیشرفت می‌کند که به صورت آزادانه مبادله شود و هرگونه تلاش برای محصور کردن آن، غیراخلاقی تلقی می‌شود. یافته‌های این پژوهش در تایید مطالعات پیشین به خصوص پژوهش عباس‌زاده و قاسم‌زاده (۱۳۹۶) هست که بر «حبس دانش» به مثابه مقوله هسته‌ای در اجتماعات علمی تاکید داشتند. به نظر می‌رسد که منفعت‌طلبی و فردگرایی در دانشجو معلمان به مثابه مانع جدی برای تسهیم دانش عمل می‌کند. فردگرایی و عدم احساس تعلق به جمع مانعی اساسی در برابر تسهیم دانش در بین دانشجومعلم‌ان می‌باشد. مشارکت‌کنندگان به مفاهیمی نظیر فقدان روحیه تیمی، منفعت‌طلبی و تمایل به کار فردی اشاره می‌کردند. در مطالعه‌ای، سندهو و چینگ^۱ (۲۰۱۴) به این نتیجه رسیدند که فردگرایی عمودی تاثیر منفی بر رفتار اشتراک دانش دارد. و در مقابل، پژوهش اُبرنووچ و همکاران^۲ (۲۰۲۰) نیز نشان می‌دهد

1 Sandhu & Ching

2 . Obrenovic et al

که رفتار مبتنی بر تسهیم دانش تأثیر معناداری بر همبستگی گروهی، خلاقیت کاری، عملکرد تیمی و فرایند ادغام دانش دارد. در نتیجه، تسلط خودمحموری را می‌توان انحرافی از ارزش‌های تسهیم دانش دانست که مانع شکل‌گیری سرمایه اجتماعی در دانشگاه فرهنگیان می‌شود. این خودمحموری مانع از آن می‌شود که دانشجویان نقش خود را در یک سیستم یادگیری جمعی تعریف کنند و بیشتر بر دستاوردهای فردی تمرکز می‌کنند.

یافته‌های حاصل از اظهارات مشارکت کنندگان نشان داد که نبود حمایت‌های مادی و معنوی دانشگاه، ضعف در امکانات فناورانه و فقدان دسترسی به پایگاه‌های علمی معتبر از عوامل زمینه‌ای مؤثر در تسهیم دانش است. این وضعیت زیرساختی، نظام انگیزشی لازم برای رفتارهای مشارکتی را تضعیف کرده است.

این نتیجه با یافته‌های بیرانوند و همکاران (۱۳۹۸) هم‌خوان است که نشان دادند جو سازمانی و حمایت نهادی، اثر مستقیم و مثبت بر نوآوری و تسهیم دانش دارد. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، می‌توان استدلال کرد که نبود پشتیبانی نهادی و مدیریتی از اصلی‌ترین عوامل بازدارنده در گرایش دانشجومعلم‌ان به تسهیم دانش محسوب می‌شود. ساختار دانشگاه زمانی می‌تواند بستر مناسبی برای اشتراک دانش فراهم کند که مدیران و سیاست‌گذاران آن باور عمیق نسبت به ضرورت و ارزش مدیریت دانش داشته باشند و به تأمین امکانات، زیرساخت‌های فناورانه و ایجاد نظام‌های تشویقی هدفمند اهتمام ورزند. مطابق با نتایج پژوهش رجایی و همکاران (۱۳۹۲) فقدان اعتقاد و حمایت مدیران ارشد، نبود نظام انگیزشی مؤثر و ساختار سلسله‌مراتبی انعطاف‌ناپذیر، از موانع اصلی پیاده‌سازی مدیریت دانش در سازمان‌ها به شمار می‌روند.

همچنین جنکس^۱ (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای به هفت مانع کلیدی اشاره کرده است: محدودیت زمانی، ضعف مهارت‌های ارتباطی، کمبود زیرساخت‌های به‌روز، نبود تاب‌آوری در مواجهه با شکست، فقدان مشوق‌های مالی شفاف و عدم یکپارچگی میان سیستم‌های فناوری اطلاعات و فرآیندهای سازمانی. افزون بر این، نتایج تحقیق مامaghani و همکاران^۲ (۲۰۱۱) بر اهمیت استراتژی دانش، حمایت مدیریتی، مشوق‌های انگیزشی و زیرساخت‌های فنی تأکید دارد و این مجموعه را از عوامل موفقیت سیستم‌های دانشی معرفی می‌کند. در تحلیل شرایط زمینه‌ای، یافته‌ها نشان می‌دهد که ضعف و نامطلوبیت زیرساخت‌های فناورانه دانشگاه به عنوان یکی از عوامل بازدارنده کلیدی در گرایش دانشجویان به تسهیم دانش عمل می‌کند. در

1. Jennex

2. Mamaghani et al

محیط‌های علمی امروز، دسترسی به فناوری اطلاعات و ارتباطات نه تنها تسهیل‌کننده فعالیت‌های پژوهشی است بلکه زمینه‌ساز یادگیری جمعی و تعامل دانشی نیز به شمار می‌آید. فقدان این امکانات، انتظار تولید و انتشار دانش را به امری غیرمنطقی تبدیل می‌کند.

نتایج پژوهش غفاری و زینالی (۱۳۹۷) نیز موید این امر است که بین زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و مؤلفه‌های عمومی مدیریت دانش رابطه معناداری وجود دارد؛ بنابراین، هرچه سطح دسترسی فناورانه ارتقاء یابد، کیفیت و کمیت کنش‌های دانشی افراد در سازمان علمی افزایش می‌یابد. بر پایه مدل رفتار برنامه‌ریزی‌شده آجزن، حتی اگر فرد نگرش مطلوب و هنجارهای ذهنی مثبت نسبت به تسهیم دانش داشته باشد، در نبود فرصت‌ها یا منابع لازم، قصد رفتاری‌اش به تسهیم دانش کاهش می‌یابد (Hosseini Sarkhosh et al., 2015). این تفسیر نشان می‌دهد که زیرساخت‌های فناوری اطلاعات نقش واسطه‌ای میان نگرش و کنش دانشی دارند و ضعف آنها می‌تواند شکاف بین تمایل شناختی و رفتار واقعی تسهیم دانش را تشدید نماید. در چارچوب نظریه مرتون، ضعف ساختارهای سازمانی و عدم تشویق تعاملات علمی، مانع تحقق اصل «جهانی بودن علم» می‌شود. این اصل بیان می‌کند که ارزش‌گذاری دستاوردها باید مستقل از شخص پژوهشگر و بر اساس شایستگی علمی باشد. اما در غیاب بستری حمایتی، ارزش‌های علمی جای خود را به ملاحظات شخصی و رقابت‌های ناسالم می‌دهند. هنگامی که دانشگاه بستری فراهم نکند که مشارکت علمی تشویق شود، انگیزه برای پیروی از اصول کلی علم کاهش می‌یابد.

نتایج مصاحبه‌ها در ارتباط با شرایط مداخله‌گر نشان داد که بی‌اعتمادی متقابل و ضعف در تعاملات دانشگاهی مانع جریان آزاد اطلاعات میان دانشجویان است. این یافته با مطالعات اکبرپور و همکاران (۱۴۰۲) بر رفتارهای تسهیم دانش میان دانشجویان تحصیلات تکمیلی هم‌خوانی دارد که بی‌اعتمادی نهادی را از موانع کلیدی دانستند. نتایج این بخش با یافته‌های مطالعات پیشین همسوست. پژوهش ملاسی و سلیمان (۲۰۱۵) نشان داد که متغیرهای غیرمادی نظیر لذت کمک به دیگران، خودکارآمدی و اعتماد بین‌فردی اثر معناداری بر رفتار اشتراک دانش دارد.

در پژوهش اسکندری و ولوی (۱۳۹۶) نیز مشخص شد که متغیرهای تبادل اجتماعی و پذیرش فناوری اطلاعات از عوامل اثرگذار بر تسهیم دانش هستند، به گونه‌ای که وجود اعتماد متقابل و شکل‌گیری نگرش ذهنی مثبت نسبت به فرایندهای سیستم دانشی، موجب افزایش تمایل به مشارکت و تسهیم دانش می‌شود. از منظر نظریه سرمایه اجتماعی، اعتماد همان بستر

ارتباطی است که شبکه‌های دانشی را به هم پیوند می‌دهد؛ در فقدان آن، تعاملات علمی به رفتارهای جزیره‌ای بدل می‌شوند. بی‌اعتمادی موجب می‌شود دانشجو معلمان نگران باشند که دانش به اشتراک گذاشته شده، علیه آن‌ها مورد سوءاستفاده قرار گیرد یا اعتبارشان کاهش یابد. مشارکت کنندگان پژوهش، راهکارهای مؤثری همچون گسترش انجمن‌های علمی، تشکیل هسته‌های پژوهشی بین‌رشته‌ای و توسعه زیرساخت‌های فناورانه را پیشنهاد دادند. بر اساس نظریه مناسک تعاملی کالینز اجتماعات علمی گروه‌محور با ایجاد احساس تعلق، هویت علمی مشترک و شور عاطفی جمعی، زمینه تسهیم مؤثر دانش را فراهم می‌سازند. این راهبردها نه تنها موانع ساختاری را تضعیف می‌کنند، بلکه فرهنگ همکاری علمی را تقویت کرده و سرمایه اجتماعی معرفتی را بسط می‌دهند.

هنگامی که دانشجویان در پروژه‌های مشترک و کارگروه‌های مستمر شرکت می‌کنند، تعهد متقابل و حس مسئولیت‌پذیری جمعی افزایش یافته و هزینه روانی مربوط به اشتراک‌گذاری دانش کاهش می‌یابد. همچنین، توسعه زیرساخت‌های فناوری‌محور از طریق دسترسی به پایگاه‌های علمی، شبکه‌های دانشگاهی و بسترهای دیجیتال، می‌تواند موانع فناورانه شناسایی‌شده را رفع کند و تسهیم دانش را از سطح ارتباطات سنتی به تعاملات شبکه‌ای ارتقاء دهد. این یافته با نتایج پژوهش‌های حسینی شاون و یوزباشی (۱۳۹۳) و علیزاده اقدم و همکاران (۱۳۹۶) همسویی دارد. در سطح پیامدها، تفسیر داده‌ها نشان می‌دهد که تحقق تسهیم دانش در دانشگاه، باعث افزایش بالندگی دانشگاهی و توسعه سرمایه اجتماعی علمی می‌شود. بالندگی میدان دانشگاهی، به معنای پویایی تعاملات علمی، رشد حرفه‌ای مستمر و ارتقاء اخلاق پژوهش و آموزش است. بسیاری از دانشجو معلمان براین باور بودند که در صورتی که تسهیم دانش در بین دانشجویان نهادینه شود، منجر به بهبود شگرف در کارهای پژوهشی و آموزشی دانشگاه می‌شود و همین امر منجر به توسعه اخلاق حرفه‌ای و پژوهشی خواهد شد. بنا به گفته کیم^۱ (۲۰۰۸) در صورتی که فرهنگ به اشتراک‌گذاری دانش در محیط دانشگاهی پذیرفته شود، تعامل علمی حاصل از پذیرش این فرهنگ، امکان ایجاد آموزش کارآمد و یادگیری اثربخش را فراهم می‌نماید (Khademzadeh et al, 2019).

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان داد بی‌اشتیاقی به تسهیم دانش در بین دانشجومعلمان فقط یک رفتار ساده نیست، بلکه حاصل ترکیب پیچیده‌ای از باورها، تجربه‌های فردی، ضعف زیرساخت‌ها و

عوامل فرهنگی و تربیتی است. وقتی دانش بیشتر به‌عنوان «قدرت فردی» دیده می‌شود تا «دارایی مشترک»، همراه با روحیه فردگرایی و نبود حس تعلق به جمع، فضای همکاری علمی محدود می‌شود. نبود پشتیبانی مدیریتی، کمبود امکانات فناورانه، و تفاوت‌های زبانی و قومی نیز مزید بر علت شده‌اند و اعتماد علمی مورد نیاز برای اشتراک‌گذاری را کاهش داده‌اند. این موضوع بازتابی از اظهارات و پنداشته‌های دانشجومعلم‌ان در ارتباط با موانع تسهیم دانش در دانشگاه هست.

با وجود این، راهکارهای استخراج‌شده در این پژوهش نشان می‌دهد که می‌توان این چرخه را با تقویت اجتماعات علمی کارگروهی، توسعه انجمن‌ها و کانون‌های مطالعاتی، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فناوری محور، افزایش مهارت‌های رایانه‌ای و گسترش دسترسی به پایگاه‌های علمی معتبر، و همچنین ایجاد نظام‌های انگیزشی و حمایتی پایدار، تغییر داد. این رویکرد با مدل خلق دانش نوناکا و تاکه‌چی^۱ درباره انتقال دانش، هماهنگ است، زیرا بر ارزش‌آفرینی جمعی و قدرت‌زایی از طریق مشارکت علمی تأکید دارد. وقتی دانش در جریان همکاری آزاد شود، سرمایه اجتماعی دانشگاهی رشد می‌کند، روابط انسانی تقویت می‌شود، و کیفیت یادگیری و آموزش به سطحی می‌رسد که نه تنها به رشد علمی، بلکه به پرورش اخلاق حرفه‌ای و احساس مسئولیت جمعی منجر خواهد شد. بنابراین، تسهیم دانش در محیط دانشگاه فرهنگیان باید به‌عنوان یک راهبرد محوری و چندبُعدی در سیاست‌گذاری آموزشی و مدیریتی تلقی شود؛ راهبردی که نیازمند تغییر نگرش فردی، تقویت زیرساخت‌های فناورانه، حمایت ساختاری و فرهنگی، و ایجاد انگیزش پایدار است. تنها با یک رویکرد جامع و هم‌افزا، می‌توان موانع موجود را برطرف کرد و ظرفیت‌های بالقوه دانشجومعلم‌ان را در خدمت توسعه علمی، تربیتی و اجتماعی کشور قرار داد.

مشارکت نویسندگان

در تدوین این مقاله نگارش مقدمه، یافته‌ها، بحث و نتیجه‌گیری و بازه توسط نویسنده اول انجام شده است (۶۰ درصد)؛ گردآوری داده‌ها، کدگذاری‌ها، نگارش روش‌شناسی و تنظیم منابع نیز توسط نویسنده دوم انجام شده است (۴۰ درصد).

تشکر و قدردانی

نویسندگان از تمامی دانشجومعلم‌ان دانشگاه فرهنگیان پردیس علامه امینی تبریز که در انجام این پژوهش همکاری نموده‌اند، قدردانی می‌نمائیم.

تعارض منافع

«هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است»



COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

References

- Abbaszadeh, M., & Ghasemzadeh, D. (2018). Knowledge Sharing; Missing Link in the Scientific Communities. *journal of The Culture Strategy Quarterly*, 11(22), 147-176. <https://doi.org/10.22034/jsfc.2018.82696> [In Persian].
- Akbarpour, Masoumeh, Hamdipour, Afshin, Atapour, Hashem (2023). Analysis of Attitude, Motivations, and Barriers to Knowledge Sharing Behavior Among Postgraduate Students at Tabriz University, *Academic Librarianship and Information Research* 57(4), 89-111. <https://doi.org/10.22059/JLIB.2024.362319.1701> [In Persian].
- Alipour Darvishi, Z. (2012). Introducing the Model of Factors Influencing Knowledge Sharing Departments OF Islamic Azad University (Survey in the North Branch of Tehran and Science and Researches Campus), *Journal of Information Technology Management* 4 (10) ,93-118. 10.22059/JITM.2014.50053 [in persian].
- Alizadeh aghdam, M, Abbaszadeh, M, Aghayari hir, T, & Ghasemzadeh, D. (2018). Understanding the transition of power creating of knowledge to power creating of knowledge sharing: qualitative method. *Library and*

- information science*, 21(2) (82) 79-106. <https://doi.org/10.30481/lis.2018.60984> [in persian].
- Allameh, M., Rostami, N., Safari, F. (2015). Study of effect social intelligence and emotional intelligence on managers' leadership style, *Journal of Social Science Quarterly*, 9 (29) :123-142. [in persian].
- Alwis, R. S-de., & Hartmann, E. (2008). The use of tacit knowledge within innovative companies: Knowledge management in innovative enterprises. *journal of knowledge management*, 12(1), 133-147.
- Armon Asgar, Sattari Sadruddin, Namvar Yousef (2019). Factors affecting knowledge sharing among faculty members of Ardabil University of Medical Sciences. *Iranian Journal of Education in Medical Sciences*. 19(82):189-198. [in persian].
- Biranvand ,A., Zareei S., Golshani M. (2021). The effect of organizational climate and knowledge sharing on the innovative behavior of employees in knowledge-based companies. *journal of The Human Information Interaction*, 7(4). 15-29. <https://doi.org/20.1001.1.24237418.1399.7.4.3.1> [In Persian].
- Blankenship, Selena s, Ruona Wendy E. A (2009). Exploring knowledge sharing in social structures: Potential contributions to an overall knowledge management strategy. *Advances in developing Human resources*, 2(3): 290-306. <https://doi.org/10.1177/1523422309338578>
- Creswell, J. (2017). *Qualitative Inquiry and Research Design: choosing among five approaches*, Translated by Hassan Danaeifard and Hossein Kazemi, Saffar Publications, Tehran.
- Danaee Fard, H., Khaefelahi, A., Hosseini, M. (2012). Reflecting the Promotion of Knowledge Sharing in Light of Organizational Citizenship Behavior. *journal of The Public Management Researches*, 4(14); 63-84. <https://doi.org/10.22111/jmr.2012.655> [In Persian].
- Eskandari, F., & valavi, P. (2017). Studying the barriers and solutions for knowledge - sharing in companies of Science and Technology Parks, *journal of The Studies in Library and Information Science*, 2(9); 59-86. [In Persian]. <https://doi.org/10.22055/slis.2017.13101.1064>.
- Eni, Lima Nasrin , Saha, Susmita , Hossain, Md Alamgir, Mizenur Rahaman, Mohammad (2025). Investigating the linkage between knowledge sharing attitude, self-efficacy, and behavior in Bangladeshi information technology sector: Knowledge sharing intention as a mediator, *Heliyon* 11. e41399; 1-13. <https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2024.e41399>.
- Guo, Y., Dongphil Chun, F. Y., and Yaying, Z. (2023). Exploring Motivations and Trust Mechanisms in Knowledge Sharing: The Moderating Role of Social Alienation". *Sustainability* 15, no. 23: 16294.

-
- <https://doi.org/10.3390/su152316294>.
<https://doi.org/10.3390/su152316294>.
- Hassan pour Akbar, sajjad, Ateffe (2018). Designing a tool to assess employee knowledge sharing behavior, *Quarterly Journal of Organizational Behavior Studies* 7(3); 29-55.
- Hashemzadeh, Mohammad Javad, Akbarian, Samira, Sangari, Mahmoud, Rezaei, Ali and Asadi Younesi, Mohammad Reza. (2022). The role of knowledge sharing in the desire for unity between university faculty members and seminary instructors. *Library and Information Science*, 25(4), 139-159.
 doi: 10.30481/lis.2022.311226.1896 [in persian].
- Hosseini Sarkhosh, M., Akhavan, P., Aminpour, A. (2016). Examining Knowledge-sharing Behavior in a High-Tech Firm Based on the Theory of Planned Behavior, *journal of The Innovation Management*, 4(4); 61-80. [In Persian].
- Hosseini Shavoon, A., Youzbashi, A., Nasl Seraji, R. (2015). Condition of Knowledge Management and Factors Affecting Its Establishment in Tehran University of Medical Sciences, *journal of The Culture Strategy Quarterly*, 8(30); 137-159. [In Persian].
- Karasneh, A.A., Al-zoubi, M. (2018). Factors affecting knowledge sharing in special education—A Jordanian study, *Knowl Process Manag.* 2019;26:41–50. <http://doi.org/10.1002/kpm.1588>
- Khademizadeh, S., Farajpahlou, A.H., & Heidarizadeh, A. (2019). Comparison investigating of knowledge sharing status and factors affecting it among faculty members of the faculty of veterinary medicine and basic sciences of shahid chamran university of ahvaz and faculty of basic sciences of jundishapur university of ahvaz. *Studies in library & information science, journal of education and psychology*, 11(1); 121-138. <https://doi.org/10.22055/slis.2018.24928.1448> [in persian].
- Khooniki Darmiyaan, T., Hosseingholizaadeh, R., Kaareshki, H. (2018). The Intermediary Role of Motivation, Attitude, and Cognitive Norms in the Relationship between Personality Traits and Knowledge Sharing Behavior among High School Teachers. *journal of The Education*, 33(4); 135-154. <https://doi.org/20.1001.1.10174133.1396.33.4.7.6> [In Persian].
- Karlsson, David, Rodriguez, Alvarez Ana (2015). Knowledge Sharing in an Open Innovation Collaboration A Case Study of the Seves Project. *Technology management*, 4(2);12-34. <https://hdl.handle.net/20.500.12380/221101>.
- Lee, J., Shiue, Y., Chen, C. (2016). Examining the Impact of organizational culture and top management support of Knowledge sharing on the success of software process improvement. *Computers in Human Behavior*, 54(10), 462-474. <https://doi.org/10.1016/j.chb.2015.08.030>

- Mallasi, H., Ainin, S.(2015). Investigating Knowledge sharing Behaviour in Academic Environment, *Journal of Organizational Knowledge Management*. <https://doi.org/10.5171/2015.643253>
- Mamaghani, N. D, Samizadeh, R; Saghafi, F. (2011). Evaluating the Readiness of Iranian Research Centers in Knowledge Management. *American Journal of Economics and Business Administration*. 3(1): 203-212. <https://doi.org/10.3844/ajebasp.2011.203.212>
- Mohseni, M. (2014). Principles of sociology of science. Tehran: tahoori.
- Mohammadpour, A. (2010). Assessing Quality in Qualitative Research: Principles and Strategies of Validation and Generalizability. *Social Sciences Quarterly*, 17(48), 73–107. <https://doi.org/10.22054/qjss.2010.874> [in persian].
- Nemati Anaraki, Leila, Noushin Fard, Fatemeh, Bab Al-Hawaeji, Fahimeh, Abazari, Zahra.(2013). Individual factors affecting knowledge sharing among faculty members of universities and research centers. *Health Information Management*, 10(5): 714-725. [in persian].
- Obrenovic Bojan , J. D., Tsoy Diana , O.S., Khan Muhammad A. S. ,Anwar F. (2020). The Enjoyment of Knowledge Sharing: Impact of Altruism on Tacit Knowledge-Sharing Behavior. *Frontiers in Psychology*, 11(4); 1-12. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2020.01496>
- Park, jongsoon, Gabbard, Joseph L (2018). Factors that affect scientists knowledge sharing behavior in health and life sciences research communities: Differences between explicit and implicit knowledge. *Computers in Human behavior*, 78, 326-335. <https://doi.org/10.1016/j.chb.2017.09.017>
- Paulin, D., & Suneson, K. (2012). Knowledge transfer, knowledge sharing and knowledge barriers-Three blurry terms in KM. *The Electronic Journal of Knowledge Management*, 10(1), 81–91.
- Pazooki , F., Haji Zeinolabedin, M .(2017). Implementing Resource Description and Access (RDA) in Knowledge Management Systems (based on Nonaka & Takeuchi Knowledge Spiral Model). *Library and Information Science Studies* .9(1),61-76. <https://doi.org/10.22055/slis.2017.12100> [in persian].
- Rajaei, M., Koohirostami, M., Fazeli, A., Moghtadaei, F. (2015). Investigating the organizational barriers affecting the implementation of Knowledge Management in Khuzestan Public Libraries, *journal of The Studies in Library and Information Science*. 6(14); 94-123. [In Persian].
- Sandhu, Manjit Singh, Ching, Poon Wai (2014). Relationship between Individual Cultural Values and Knowledge Sharing in Selected Multinational Companies in Malaysia. *International Journal of Business and Economics*,13(1),1-24.

- Scharf, Maria Christina (2003). Exploration and Exploitation: Toward a Theory of knowledge sharing in Digital Government Project, PH.d Dissertation.
- Shirazi, A., & Homayouni Rad, M. (2015). Studying the Impact of Knowledge-Centered Culture on Knowledge Sharing with Moderator of Role of Trust Propensity, *journal of The Public Management Researches*, 8(27); 99-118. 10.22111/JMR.2015.2064 [In Persian].
- Small, C. (2005). An enterprise knowledge sharing model: A complex adaptive systems perspective on improvement in Knowledge sharing (Doctoral dissertation), George Mason University. *ProQuest Dissertation and Theses.*, 66(2), 1150.
- Shams, A, Abdoli, B., Shamsipour Dehkordi, P.(2013). Comparing the effects of cooperative, competitive and individual learning on selected factors of physical fitness, *Quarterly Journal of Education*, 28(119), 141-156.
- Yeon, Kyeong Nam, Wong, Siew Fan, Chang, Younghoon, Park, Myeong-Cheol (2015). Knowledge sharing behavior among community member in Professional research information center. *Information development*, 5(3), 1-18. <https://doi.org/10.1177/0266666914566512>
- Zeynali, M., Ghaffari, S. (2018). A study of IT infrastructure for the implementation of knowledge management in visual archives A Case Study: The Islamic Republic of Iran Broadcasting (IRIB) at the center of Qom). *Journal of Information Technology Management* ,4 (2) :111-136. <https://doi.org/10.22091/stim.2018.3426.1234> [in persian].